

ارزیابی مرحله اول توافق تجاری چین و

ایالات متحده

نظام بین‌الملل، متشکل از ساختار و بازیگرانی است که در چارچوب آن به تعامل با یک دیگر می‌پردازند. این بازیگران، به طور مداوم بر دیگر بازیگران و هم‌چنین ساختار نظام تأثیر می‌گذارند و از آن تأثیر می‌پذیرند. میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بازیگران در چنین محیطی، بسته به شرایط و میزان قدرت هر یک، متفاوت است.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که محیط بین‌المللی، در حوزه‌های گوناگون دارای قواعد و اقتضائات متفاوتی است که قواعد و هنجارهای خاص خود را به وجود می‌آورد. به عنوان مثال، روابط بین‌الملل در حوزه‌های نظامی و دفاعی، عرصه نوعی خاص از کنش‌ها و کنش‌گران، و در عرصه اقتصادی واجد نوعی دیگر از ساختار، قواعد، هنجارها و بازیگران است. چین و ایالات متحده، به عنوان بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان، دو قطب مهم تجارت و اقتصاد بین‌المللی به شمار می‌روند که جنگ تجاری آن‌ها طی حدود دو سال گذشته، نه تنها بسیاری از بازیگران بین‌المللی را متأثر ساخته است، بلکه در صورت تداوم می‌تواند به شکل‌گیری تغییراتی در برخی روندهای اقتصاد جهانی و ساختار و نظم بین‌المللی اقتصادی نیز منجر شود. با این حال، دو کشور در تاریخ پانزدهم ژانویه 2020، به توافقی دست یافتند که ادعا می‌شود فاز اول توافقی جامع‌تر است. با توجه به اهمیت و وزن اقتصادی دو کشور و جنگ تجاری میان آن دو، توافق مزبور نیز حائز اهمیتی راهبردی است و پیامدها و ملاحظاتی را پیش روی اقتصاد جهانی ایران قرار می‌دهد.

در این راستا، سؤال مهمی که در این گزارش تلاش می‌شود به آن پاسخ داده شود، این است که توافق میان چین و ایالات متحده چه پیامدها و ملاحظاتی در حوزه‌های راهبردی جهانی خواهد داشت؟ به منظور پاسخ‌گویی به سؤال فوق، لازم است به برخی سؤال‌های دیگر در این زمینه پاسخ داده شود:

- جنگ تجاری میان چین و ایالات متحده چیست و از چه تاریخچه‌ای برخوردار است؟
- مهم‌ترین عواملی که منجر به انعقاد توافق میان دو کشور شده‌اند، کدامند؟
- مهم‌ترین مفاد توافق مذکور چیست؟
- آیا طرفین به این توافق پای‌بند خواهند بود؟

## 1- تاریخچه و چیستی جنگ تجاری میان چین و ایالات متحده

رابطه‌ی تجاری چین و ایالات متحده طی سه دهه‌ی گذشته، تقریباً هیچ‌گاه خالی از چالش و مشکل نبوده است. از دهه‌ی 1980، تعرفه‌های «دولت کامل‌الوداد»<sup>1</sup> که از سوی آمریکا به چین اعطا شده بود، از سوی گروه‌های فشار ضد چینی در جلسات استماع کنگره مورد نقد قرار می‌گرفت. اولین محدودیت‌های وضع شده از سوی ایالات متحده علیه چین، پس از وقایع میدان تیان‌آن‌من در سال 1989 وضع شد که سرمایه‌گذاری، صادرات و برخی روابط تجاری دیگر را با چین محدود می‌کرد (وضعیت دولت کامل‌الوداد نیز در پی این محدودیت‌ها لغو شد). با این وجود، چین بازاری بود که ایالات متحده به آسانی نمی‌توانست از آن صرف‌نظر کند. قانون روابط چین و ایالات متحده که در سال 2000 به تصویب کنگره‌ی آمریکا رسید، عملاً به منزله‌ی موافقت آن کشور با عضویت چین در سازمان تجارت جهانی بود. یک سال بعد، چین به سازمان مذکور پیوست و وضعیت دولت کامل‌الوداد، بار دیگر از سوی آمریکا به آن اعطا شد. با این حال، اتهامات ایالات متحده علیه چین، در آن زمان نیز وجود داشت.

دولت کلینتون، چین را به عدم پای بندی به بسیاری از اصول تجارت جهانی متهم می‌کرد؛ از جمله باز نبودن بازارها و عدم حمایت از مالکیت فکری و ثبت اختراع. با این وجود، رییس جمهور وقت ایالات متحده، به انعقاد توافقی تجاری با چین خوش‌بین بود. چین نیز به عنوان عضوی جدید از سازمان تجارت جهانی، پذیرفت تعرفه‌های وارداتی را کاهش دهد و بازارهای خود را به روی کالاهای خارجی باز کند. با این حال، بسیاری از ناظران و کارشناسان، نسبت به عمل آن کشور به تعهدات مذکور چندان خوش‌بین نبودند. اگر چه چین تعرفه‌های خود را کاهش داد، با این حال برخی گزارش‌ها از عدم رعایت اصول مالکیت فکری، غیرشفاف بودن تدوین و انتشار قوانین مرتبط با صنعت و تجارت و عدم اعطای مجوز به شرکت‌های خارجی جهت دست رسی کامل به بازارهای داخلی حکایت می‌کرد.<sup>1</sup>

انتقادات آمریکا از سیاست‌های اقتصادی و تجاری چین، طی تمام سال‌های دهه 2000 میلادی ادامه داشته است. با این حال، شخصی که بیش‌ترین انتقادات را متوجه این سیاست‌ها کرده و طی دو سال گذشته به مقابله‌ی عملی با آن پرداخته، دونالد ترامپ بوده است. وی که حتی سال‌ها پیش از رسیدن به مقام ریاست جمهوری نیز منتقد رابطه‌ی «ناعادلانه»<sup>1</sup>ی تجاری میان چین و ایالات متحده بود، پس از ورود به کاخ سفید سعی داشته با اعمال تعرفه‌های سنگین بر حجم بالایی از کالاهای وارداتی از چین، علاوه بر جبران آن چه ضرر و زیان آمریکا از رابطه‌ی تجاری با آن کشور می‌نامد، طرف مقابل را به اصلاح سیاست‌های ناعادلانه مجبور نماید.

---

<sup>1</sup>Most Favored Nation

به طور کلی، مهم‌ترین انتقاداتی که در حوزه‌های تجارت و اقتصاد از جانب آمریکا متوجه چین بوده است، عبارتند از:

- عدم احترام به مالکیت فکری و جاسوسی در حوزه‌ی علم و فن آوری؛ (طبق تحقیقات دفتر ملی پژوهش‌های آسیایی، ارزش سرقت مالکیت معنوی چینی‌ها از ایالات‌متحده بین 225 تا 600 میلیارد دلار در سال است.<sup>۲</sup>)
  - نامتوازن بودن تراز تجاری؛ (طبق اطلاعات مرکز آمار ایالات‌متحده، کسری تراز تجاری دوجانبه‌ی چین و ایالات‌متحده در سال 2019، تنها در بخش تجارت کالا 320/8 میلیارد دلار بوده است.<sup>۳</sup>)
  - محدودسازی و مشروط نمودن سرمایه‌گذاری خارجی؛
  - وضع تعرفه‌های وارداتی؛
  - اعطای تسهیلات و یارانه‌های صادرات؛
  - تحت فشار قرار دادن شرکت‌های خارجی فعال در خاک چین جهت انتقال فن آوری؛
  - تحت فشار قرار دادن شرکت‌های خارجی فعال در خاک چین جهت خرید مواد اولیه از تأمین‌کنندگان چینی؛
  - دست کاری در نرخ ارز (پایین آوردن نرخ ارز جهت افزایش صادرات و کاهش واردات)؛
  - سرمایه‌داری دولتی (خرید شرکت‌های دارای فن آوری پیشرفته‌ی آمریکایی از سوی چین)
- علی‌رغم انتقادات وارد شده به چین از سوی ایالات متحده، می‌توان یکی از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری این جنگ تجاری را وجود نگرانی فزاینده در آمریکا نسبت به رشد اقتصادی چین، تلاش آن کشور جهت ایجاد سلطه بر بسیاری از حوزه‌های اقتصادی و ژئواکونومیک و رشد پوپولیسم، ملی‌گرایی و حمایت‌گرایی در برخی کشورها، به ویژه در ایالات‌متحده دانست.

## 2- زمینه‌ها و عوامل منجر به توافق

همان‌گونه که اشاره شد، ایالات متحده به‌منظور رسیدگی چین به انتقادات مذکور، آن کشور را تحت فشار قرار داد. اما جنگ تجاری شکل گرفته، نه تنها برای هر دو طرف، بلکه برای کل اقتصاد جهان حائز پیامدها و تبعاتی بوده که تداوم طولانی‌مدت آن را هزینه‌مند و نامطلوب می‌سازد. هم‌چنین هر دو دولت در حوزه‌ی سیاست داخلی، با چالش‌ها و مشکلاتی دست‌وپنجه نرم می‌کردند که جنگ تجاری موجود، می‌توانست آن را تشدید نماید. مجموعه‌ی شرایط داخلی و ملاحظات بین‌المللی، دو طرف را به سوی شکل‌دهی به یک توافق (هرچند ناقص) سوق داد. در ادامه برخی از مهم‌ترین چالش‌های داخلی دو کشور و شرایط بین‌المللی به صورت خلاصه مطرح می‌شود.

## 1-2- شرایط و چالش‌های داخلی ایالات متحده

تعرفه‌های وضع شده از سوی آمریکا و در ادامه اقدامات تلافی جویانه‌ی چین، در مجموع مشکلات زیر را در بخش‌های اقتصادی ایالات متحده به وجود آورده بود:

- کاهش صادرات محصولات کشاورزی و دامی آمریکا و ایجاد نارضایتی در میان فعالان این بخش و صنایع وابسته؛ (طبق آمار دفتر کشاورزی آمریکا، میزان صادرات این محصولات، از 24 میلیارد دلار در سال 2014 به 9/1 میلیارد دلار در سال 2018 کاهش یافت.<sup>۴</sup>)
- افزایش قیمت برخی کالاها (طبق برآورد مؤسسه‌ی گلدمن ساکس، در سال 2018 قیمت کالاهایی که تعرفه بر آن‌ها وضع شده بود و هم چنین کالاهای تولید شده توسط صنایعی که از وضع تعرفه متأثر شده بودند، بیش از میزان تورم موجود افزایش یافته بود.<sup>۵</sup>)
- ایجاد نارضایتی در میان صاحبان صنایع و برخی سرمایه داران مهم و ذی نفوذ در ایالات متحده (به عنوان مثال، شلدون ادلسون سرمایه‌دار معروف یهودی، به ترامپ راجع به پیامدهای تداوم جنگ تجاری هشدار جدی داد.<sup>۶</sup>)
- کاهش اطمینان در حوزه‌های اقتصادی و در نتیجه افزایش ریسک سرمایه‌گذاری؛
- افزایش بی‌کاری در برخی حوزه‌ها و صنایع مرتبط با کالاهایی که تحت تعرفه قرار گرفته‌اند؛ (علی‌رغم کاهش نرخ بیکاری در ایالات متحده در سال 2019، بررسی‌ها نشان‌دهنده‌ی آن بود که برخی بخش‌های تولیدی، با افزایش این شاخص مواجه شده و بسیاری از صنایع، مجبور به تعدیل نیرو شده‌اند.<sup>7</sup>)

جدا از مسائل و مشکلات فوق، باید در نظر داشت که دونالد ترامپ در آستانه‌ی انتخابات ریاست جمهوری سال 2020 قرار دارد و نداشتن دستاورد در حوزه‌های بین‌المللی، می‌تواند موقعیت وی را در برابر نامزدهای دموکرات تضعیف کند. لذا، توافق حاضر را تا حدی نیز باید ناشی از شرایط انتخاباتی در داخل ایالات متحده تحلیل کرد.

## 2-2- شرایط و چالش‌های داخلی چین

جنگ تجاری میان دو کشور، علاوه بر مشکلاتی که برای ایالات متحده به وجود آورد، چالش‌ها و مسائلی را نیز پیش روی دولت چین قرار داد. مهم‌ترین چالش‌های ایجاد شده برای اقتصاد چین، عبارتند از:

- کاهش رشد اقتصادی (رشد اقتصادی چین در سال 2019، 6/1 درصد بود که اگر چه برنامه‌ریزی شده (6 تا 6/5 درصد) را محقق نمود، با این حال پایین‌ترین رشد اقتصادی آن کشور طی 29 سال گذشته بوده است.<sup>۸</sup>)
- کاهش میزان صادرات
- جابجایی برخی خطوط تولید از چین به دیگر کشورهای دارای نیروی کار ارزان (هر چند این میزان، به اندازه‌ای نبوده که اقتصاد داخلی چین را در مقیاس وسیع متأثر سازد).
- افزایش ناامنی اقتصادی و ریسک سرمایه‌گذاری
- نگرانی از تأثیر منفی مناقشه تجاری بر انبوه مازاد کارخانه‌ای و ضرورت یافتن راهکار تداوم صادرات مشکلات مذکور، در شرایطی که چین در حال تجربه‌ی موجی از اعتراضات و ناآرامی‌ها در هنگ کنگ است، می‌تواند تشدید شده و تأثیراتی مخرب‌تر داشته باشد.

### 3-2- شرایط، چالش‌ها و فشارهای بین‌المللی

همان‌گونه که ذکر شد، جنگ تجاری میان چین و آمریکا، نه تنها تبعاتی برای دو کشور به همراه داشت، بلکه با توجه به حجم اقتصادی طرفین درگیر و وسعت این درگیری‌ها، عملاً مشکلات و مسائلی نیز برای تجارت بین‌المللی و بسیاری از اقتصادهای جهان به وجود آورد. رئیس صندوق بین‌المللی پول در اکتبر 2019 اعلام کرد جنگ تجاری میان چین و آمریکا می‌تواند 700 میلیارد دلار به اقتصاد جهانی هزینه تحمیل کند.<sup>۹</sup> نهاد مزبور هم چنین در گزارش ماه جولای خود راجع به چشم‌انداز اقتصادی جهان در سال 2019، رشد پیش‌بینی شده برای سال‌های 2019 و 2020 خود را یک دهم درصد نسبت به گزارش‌های پیشین خود کاهش داد.<sup>۱۰</sup>

هم چنین گزارش‌های متعدد گویای آن بود که جنگ تجاری، در حال تحمیل هزینه و آسیب‌رسانی به اقتصاد کشورهایی است که هیچ نقش و جایگاهی در این حوزه نداشتند. در این زمینه، می‌توان به مسائل و چالش‌های به وجود آمده برای کشورهای نظیر آلمان، ژاپن، کنیا، اوکراین و برخی کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس اشاره کرد. مشکلات ایجاد شده، عمدتاً از طریق موانع جدید بر سر راه جریان آزاد سرمایه و کالاهای اولیه، منجر به کاهش تخصص‌گرایی بین‌المللی بر اساس مزیت‌های نسبی می‌شوند و هم چنین افزایش نااطمینانی در حوزه‌ی اقتصاد، می‌تواند یکی دیگر از عوامل کاهش جریان بین‌المللی سرمایه و در نتیجه رشد اقتصادی جهانی باشد. وضعیت شکل گرفته میان دو اقتصاد بزرگ بین‌المللی، هم چنین می‌تواند چشم‌انداز همکاری‌های بین‌المللی را دچار چالش نماید و در بلندمدت به تضعیف نهادهای بین‌المللی تجاری و مالی منجر شود.

این مسائل و مشکلاتی از این دست، بسیاری از رهبران دنیا را وادار به موضع‌گیری در برابر جنگ تجاری چین و ایالات متحده نمود. برخی متحدان بین‌المللی آمریکا، به آن کشور راجع به تبعات افزایش تعرفه‌ها هشدار

دادند و خواستار پایان این روند خطرناک شدند. بوریس جانسون، نخست‌وزیر بریتانیا در چهل و پنجمین نشست سران کشورهای عضو گروه هفت، نامطلوب بودن تعرفه‌ها را گوشزد کرد<sup>۱۱</sup> و دونالد تاسک، رئیس وقت شورای اروپا هشدار داد جنگ تجاری می‌تواند رکود جهانی را به دنبال داشته باشد.<sup>۱۲</sup>

مجموعه‌ی مسائل و مشکلات مزبور در سطوح داخلی و بین‌المللی، عملاً نشان‌دهنده‌ی هزینه و مخاطرات بالای تداوم جنگ تجاری میان چین و ایالات‌متحده بوده و دو بازیگر را برای رسیدن به «بهترین توافق در دسترس» متقاعد کرده است. در واقع، توافق منعقد شده را می‌توان حاصل تفوق رویکرد عمل‌گرایانه، بسنده‌جویانه و مبتنی بر منافع مطلق، در مقابل رویکردی آرمان‌گرایانه، بیشینه‌سازانه و با توجه به منافع نسبی دانست.

### 3- مهم‌ترین مفاد توافق

مطابق متن منتشر شده‌ی توافق<sup>۱۳</sup>، چین متعهد شده 77/7 میلیارد دلار کالا، 37/9 میلیارد دلار خدمات، 52/4 میلیارد دلار انرژی و 32 میلیارد دلار محصولات کشاورزی و دامی از ایالات‌متحده خریداری کند. در این راستا، چین باید بیش از 50 مورد از قوانینی را که واردات محصولات دامی و کشاورزی ایالات‌متحده را محدود کرده، برطرف نماید و هم‌چنین فرآیند صدور مجوز، بازرسی و قوانین مرتبط با آن‌ها را - که آمریکا به‌عنوان نوعی مانع در راستای تجارت آزاد ارزیابی می‌کند - مورد بازبینی قرار دهد.

در حوزه‌ی جرائم مرتبط با مالکیت فکری، سرقت ادبی و حق اختراع، چین باید مجازات‌هایی را جهت ایجاد بازدارندگی در این حوزه در نظر بگیرد. هم‌چنین آن کشور متعهد خواهد بود فشارها را به بنگاه‌های خارجی فعال در چین به منظور انتقال اجبارآمیز فن آوری به داخل کاهش دهد. علاوه بر این، لازم است طرفین از دستکاری عمدی در نرخ ارز به منظور افزایش توان رقابتی کالاهای صادراتی خودداری کنند.

دو کشور توافق کردند به منظور اجرای سریع و مؤثر توافق، سازوکاری دوجانبه را جهت ارزیابی اجرا و حل اختلافات در نظر بگیرند. در این راستا، دفاتری در هر دو کشور، مسؤولیت دریافت و رسیدگی به شکایات را بر عهده خواهند داشت. در صورتی که شکایتی از سوی یکی از طرفین مبنی بر عدم اجرای توافق در حوزه‌ای خاص به یکی از دفاتر ارجاع شود، فرآیند رسیدگی به آن آغاز خواهد شد و اگر در پایان این فرآیند، اجماعی در قبال مسأله‌ی مورد اختلاف و میزان ضرر و زیان طرف شاکی حاصل نشود، شاکی می‌تواند بر اساس میزان ضرر و زیان برآورد شده از سوی سازوکار حل اختلاف، به اقدام یک جانبه علیه مشتکی‌عنه مبادرت ورزد و طرف دوم حق ندارد اقدام یک جانبه‌ی طرف اول را مورد تلافی قرار دهد. در صورت اقدام تلافی‌جویانه‌ی مشتکی‌عنه، شاکی می‌تواند آن را مبنایی جهت خروج یک جانبه از توافق قرار دهد.

توافق صورت گرفته میان دو کشور، تنها بخشی از اختلافات تجاری را پوشش می‌دهد و به نظر می‌رسد بخش پوشش داده نشده، مسائلی جدی است که با توجه به حساسیت‌های چین، حل آن‌ها بسیار چالش برانگیز خواهد بود. به عنوان مثال، مسأله‌ی یارانه‌های دولت چین به برخی بنگاه‌ها جهت افزایش توان رقابتی آن‌ها و یا مالکیت دولتی برخی بنگاه‌های مهم، از جمله مسائلی هستند که در این توافق مورد بررسی قرار نگرفته‌اند که چین نیز با ادعای حساسیت امنیتی این مقولات، از مذاکره راجع به آن‌ها سر باز می‌زند. لازم به ذکر است که بخش قابل توجهی از تعهدات چین نیز (به عنوان مثال تأمین مالکیت فکری و اجتناب از انتقال اجبار آمیز فن آوری)، در حقیقت همان تعهدات پیشین به سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و دیگر توافقات چندجانبه در چارچوب‌های بین‌المللی (از جمله گروه 20) است.

#### 4- ارزیابی پای بندی به توافق

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در ارزیابی موفقیت یک قرارداد بین‌المللی، میزان پای‌بندی طرفین قرارداد به آن است. البته میزان این پای‌بندی، تنها به خود قرارداد وابسته نبوده و تابع شرایطی در متن و محیط بین‌المللی انعقاد و تداوم قرارداد است. میزان صراحت یا مبهم بودن مفاد قرارداد، میزان مسائل فی‌مابین پوشش داده شده در توافق، سازوکار کارآمد حل اختلافات، وجود نهادی بی‌طرف جهت داوری، اراده‌ی قوی جهت اجرای قرارداد و تداوم تأمین منافع طرفین قرارداد در بلندمدت، برخی از مهم‌ترین متغیرهایی است که کارآمدی و طول عمر یک معاهده‌ی بین‌المللی را تعیین می‌کند.

در رابطه با صراحت یا مبهم بودن مفاد قرارداد، لازم به ذکر است مطلوبیت صراحت در متن یک توافق نامه، در واقع دارای یک حالت بهینه است که حد کم تر یا بیش تر از آن، می‌تواند به تحقق مفاد توافق‌نامه و اجرایی شدن آن آسیب وارد کند. در بسیاری از توافقات بین‌المللی، طرفین جهت ایجاد میزانی از آزادی عمل و فراهم آوردن توجیه برای افکار عمومی داخلی، از به کار بردن عبارات و جملات صریح در متن اجتناب می‌کنند. اما همین مبهم بودن، در صورتی که نقطه‌ی بهینه را پشت سر بگذارد، باعث تفسیرهای متباین و گاه متضاد می‌شود و در صورت نبود یک سازوکار کارآمد جهت حل اختلاف، می‌تواند به توقف اجرا و در نهایت از بین رفتن توافق منجر شود. توافق تجاری میان ایالات متحده و چین، به لحاظ مبهم بودن مفاد آن، چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد. بسیاری از منتقدان این توافق معتقدند برخی مفاد مربوط به تعهدات چین، به صراحت مشخص‌کننده‌ی اقداماتی نیست که آن کشور باید انجام دهد و راستی‌آزمایی آن، تا حد زیادی بستگی به نحوه‌ی تفسیر طرف مقابل دارد.

این توافق هم چنین دامنه‌ی محدودی از مسائل مورد اختلاف طرفین را در بر می‌گیرد و هنوز مسائلی جدی وجود دارد که حل کامل آن چندان محتمل به نظر نمی‌رسد. همان‌گونه که اشاره شد، توافق موجود به



مسأله‌ی یارانه‌های دولت چین به بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی جهت افزایش توان رقابتی آن‌ها و هم‌چنین مالکیت بنگاه‌های بزرگ از سوی دولت نمی‌پردازد که چالشی بزرگ در روابط دوجانبه به شمار می‌آیند.

سازوکار حل اختلافات، یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر قرارداد بین‌المللی است. اهمیت چنین سازوکاری، به ویژه در توافق‌نامه‌های تجاری، به صورت مضاعف مورد تأکید قرار می‌گیرد تا از خلال آن، علاوه بر تأمین حداکثری منافع طرفین، اختلافات شکل‌گرفته منجر به از کار افتادن توافق نشود. به طور عمومی، طرفین یک قرارداد تجاری توافق می‌کنند در صورت بروز اختلاف به یک مقام بی‌طرف رجوع کنند که داوری آن مورد پذیرش هر دو طرف بوده و بتواند به صورت غیرجانبدارانه‌ای به حل و فصل اختلافات موجود بپردازد. در این حالت، ادعای یکی از طرفین مبنی بر نقض توافق از سوی طرف دیگر، به خودی خود نمی‌تواند مبنایی برای توقف جزئی یا کلی اجرای تعهدات قرار گیرد و داور بی‌طرف، باید صحت اتهام مطرح شده را احصا نماید. طرف ثالث هم‌چنین در صورت احصای تخلف از سوی یکی از طرفین، به بررسی و برآورد میزان ضرر و زیان شاکی می‌پردازد و شاکی آن را مبنایی جهت اقدامات و سیاست‌های تلافی‌جویانه‌ی خود قرار می‌دهد. در توافق تجاری چین و آمریکا - همان‌گونه که اشاره شد - سازوکار حل اختلاف کاملاً به صورت دوجانبه بوده و در صورت حل نشدن آن طی فرآیند مشورت‌های دو طرف، کشور شاکی می‌تواند به صورت یک طرفه به اقدام تلافی‌جویانه مبادرت نماید و عکس‌العمل مشتکی‌عنه، می‌تواند مبنایی جهت خروج از توافق در اختیار شاکی قرار دهد. چنین سازوکاری به خودی خود می‌تواند اجرای بلندمدت توافق را دچار چالش نماید.

با این وجود، مهم‌ترین عامل در ادامه‌ی حیات قراردادهای بین‌المللی، تداوم تأمین منافع طرفین آن‌ها در بلندمدت است. وجود بسیاری از توافق‌های بین‌المللی، در برهه‌های زمانی خاصی لازم به نظر می‌رسد و طرفین با اراده‌ای قوی اقدام به انعقاد آن قراردادها می‌کنند؛ اما با گذر زمان و عدم تأمین منافع اعضا در بلندمدت، این قراردادها یا به عنوان قراردادهایی بی‌اثر و تنها در روی کاغذ به حیات خود ادامه می‌دهند یا به صورت کلی از بین می‌روند. مجموعه‌ی انتقاداتی که به توافق تجاری چین و آمریکا وارد شده، بازه‌ی زمانی قرارداد، شرایط داخلی طرفین و باقی ماندن بسیاری از انتقادات آمریکا نسبت به چین، باعث می‌شود که اجرای مؤثر این توافق (با شکل و محتوای موجود)، چشم‌انداز روشنی به ویژه پس از انتخابات ماه نوامبر ایالات متحده نداشته باشد. هم‌چنین همان‌گونه که اشاره شد، بخش قابل‌توجهی از تعهدات چین در واقع تکرار آن‌هایی است که پیش‌تر نیز وجود داشته و فعلاً دلیل محکمی وجود ندارد که باور داشته باشیم چین تعهداتی را که پیش از این به آن‌ها پای‌بند نبوده کاملاً اجرایی نماید.

## جمع بندی

اختلافات تجاری میان آمریکا و چین و انتقاداتی که ایالات متحده به چین در این حوزه وارد می‌کند، موضوع جدیدی نیست و از سوی دولت‌های متوالی در آمریکا مطرح شده است؛ با این حال، اقدامات دونالد ترامپ علیه چین و عکس‌العمل چین نسبت به این اقدامات، منجر به شکل‌گیری نوعی جنگ تجاری شده که پیامدهایی را برای هر دو کشور و دیگر بازیگران بین‌المللی و اقتصاد بین‌الملل به دنبال داشته است. پیامدهای مذکور و شرایط داخلی و بین‌المللی، آن دو را بر آن داشت که پس از مذاکراتی طولانی، به توافقی با بازه‌ی موضوعی و دوره‌ی زمانی محدود دست یابند که مجموعه‌ی اشکالات و شرایط موجود، اجرای مؤثر آن را با ابهام‌هایی مواجه کرده است.

نداشتن صراحت کافی در برخی مفاد قرارداد، سازوکار ناکارآمد حل اختلافات و پوشش ندادن برخی از حوزه‌ها و مسائل مورد اختلاف طرفین، از جمله موضوعاتی است که می‌تواند مانعی در مسیر اجرای مؤثر قرارداد در بلندمدت باشد. هم‌چنین بازه‌ی زمانی قرارداد و مشخص نبودن چگونگی تمدید آن نیز از جمله چالش‌های این توافق است.

این توافق اولیه به معنی حل و فصل تمامی مشکلات تجاری و اقتصادی میان واشنگتن و پکن نیست، مضاف بر آن که نبرد استراتژیک دو کشور در حوزه‌های مختلف با شدت ادامه دارد و هیچ‌یک نیز قصد عقب‌نشینی ندارند.

<sup>1</sup> Howard Winn, "Accession has brought change to China and WTO", *The New York Times*, November 7<sup>th</sup> 2005, Available at:

<https://www.nytimes.com/2005/11/07/world/asia/accession-has-brought-change-to-china-and-wto.html?searchResultPosition=4>.

<sup>2</sup> "The Theft of American Intellectual Property: Reassessment of The Challenge and United States Policy", *National Bureau of Asian Research*, February 2017, Available at:

[http://ipcommission.org/report/IP\\_Commission\\_Report\\_Update\\_2017.pdf](http://ipcommission.org/report/IP_Commission_Report_Update_2017.pdf).

<sup>3</sup> "Trade in Goods with China", *United States Census Bureau*, November 2019, Available at:

<https://www.census.gov/foreign-trade/balance/c5700.html>.

<sup>4</sup> "China Trade Standstill More Bad News for Farmers", *American Farm Bureau Federation*, August 5<sup>th</sup> 2019, Available at:

<https://www.fb.org/newsroom/china-trade-standstill-more-bad-news-for-farmers>.

<sup>5</sup> Maggie Fitzgerald, "This chart from Goldman Sachs shows tariffs are raising prices for consumers and it could get worse", *CNBC*, May 13<sup>th</sup> 2019, Available at:

<https://www.cnn.com/2019/05/13/this-chart-from-goldman-sachs-shows-tariffs-are-raising-prices-for-consumers-and-it-could-get-worse.html>.

<sup>6</sup> Alex Leary, "Sheldon Adelson Warned Trump About Impact of U.S.-China Trade War", *Wall Street Journal*, September 22<sup>th</sup> 2019, Available at:

<https://www.wsj.com/articles/sheldon-adelson-warned-trump-about-impact-of-u-s-china-trade-war-11569174124>.

<sup>7</sup> برای مثال، بنگرید به:

Gina Heeb, "We just got the latest sign the US is losing manufacturing jobs — the opposite of what Trump's trade wars were supposed to accomplish", *Business Insider*, October 4<sup>th</sup> 2019, Available at:

<https://markets.businessinsider.com/news/stocks/trump-trade-war-loss-of-manufacturing-jobs-contradicts-purpose-tariffs-2019-10-1028577666>.

و هم چنین بنگرید به:

Rick Newman, "Trump's trade war has killed 300,000 jobs", *Yahoo Finance*, September 11<sup>th</sup> 2019, Available at:

<https://finance.yahoo.com/news/trumps-trade-war-has-killed-300000-jobs-194717808.html>.

<sup>8</sup> Stella Qiu, "China posts weakest growth in 29 years as trade war bites, but ends 2019 on better note", *REUTERS*, January 17<sup>th</sup> 2020, Available at:

<https://www.reuters.com/article/us-china-economy/china-set-to-post-weakest-growth-in-29-years-as-trade-war-bites-investment-sputters-idUSKBN1ZF2YR>.

<sup>9</sup> Ana Swanson, "Trump's Trade War Could Put Swiss-Size Dent in Global Economy, I.M.F. Warns", *New York Times*, October 8<sup>th</sup> 2019, Available at:

<https://www.nytimes.com/2019/10/08/us/politics/trump-trade-war-imf.html>.

<sup>10</sup> "WORLD ECONOMIC OUTLOOK", *International Monetary Fund*, July 2019, Available at:

<https://www.imf.org/en/Publications/WEO/Issues/2019/07/18/WEOupdateJuly2019>.

<sup>11</sup> Meridith McGraw, "Trump suggests 'second thoughts' about China tariff war, triggers confusion at G-7 summit", *abc NEWS*, August 25<sup>th</sup> 2019, Available at:

<https://abcnews.go.com/Politics/trump-g7-allies-respect-trade-war-china-warnings/story?id=65177426>.

---

<sup>12</sup> Michael Birnbaum, “‘Senseless disputes’: E.U.’s Tusk says Trump’s trade wars are damaging global economy”, *The Washington Post*, August 24<sup>th</sup> 2019, Available at: [https://www.washingtonpost.com/business/economy/senseless-disputes-eus-tusk-says-trumps-trade-wars-are-damaging-global-economy/2019/08/24/bc1f6502-c656-11e9-9986-1fb3e4397be4\\_story.html](https://www.washingtonpost.com/business/economy/senseless-disputes-eus-tusk-says-trumps-trade-wars-are-damaging-global-economy/2019/08/24/bc1f6502-c656-11e9-9986-1fb3e4397be4_story.html).

<sup>13</sup> *Economic and Trade Agreement Between United States of America and The People’s Republic of China*, January 15<sup>th</sup> 2020, Available at: <https://int.nyt.com/data/documenthelper/6667-us-china-trade-deal/b8ef0d1826ca2b48f121/optimized/full.pdf>.